تبیین افق ۱۴۰۴ آموزش عالی ایران با استفاده از روش سناریونویسی[۱]

حمید عبدی[۲]
سیدابراهیم میرشاه‌جعفری[۳]
محمدرضا نیلی[۴]
سعید رجایی‌پور[۵]

چکیده

آموزش عالی از نقشی کلیدی در تحقق چشم‌اندازهای توسعه کشور در نزد سیاست‌گذاران برخوردار است. این امر به طراحی چشم‌اندازها و رسالت‌هایی برای این نهاد مهم در منابع بالادستی انجامیده است. در این راستا، آینده‌پژوهی و تدوین سناریوهای احتمالی در جهت تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی بسیار ضروری می‌نماید. علیرغم این اهمیت، ترسیم آینده‌های متصور درزمینهٔ تحقق جهت‌گیری منابع بالادستی همواره مورد غفلت قرار گرفته است. پژوهش حاضر به بررسی آینده مطلوب آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴ پرداخته است. پژوهش حاضر کیفی بوده و از فن سناریونویسی برای آینده‌نگاری بهره گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش را منابع بالادستی و صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی کشور تشکیل داده‌اند. روش نمونه‌گیری، هدفمند بوده و با مصاحبه با ۱۴ نفر از خبرگان، اشباع نظری در داده‌ها حاصل گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، فرم تحلیل محتوای منابع بالادستی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود و از روش تحلیل محتوای کیفی و تحلیل

---

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری تحت عنوان «تبیین برنامه درسی دانشگاهی متناسب با چشم‌اندازها و رسالت‌های آینده‌ی آموزش عالی ایران» می باشد که در دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶به انجام رسیده است.

۲. دانش‌آموخته دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، پست الکترونیک: Habdi۶۳@Gmail.com

۳. استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، مسئول مکاتبه، پست الکترونیک: Jafari@edu.ui.ac.ir

۴. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، پست الکترونیک: M.nili.a@edu.ui.ac.ir

۵. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، پست الکترونیک: S.rajaipour@edu.ui.ac.ir

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

تفسیری به منظور تحلیل داده‌ها استفاده شد. یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای منابع بالادستی نشان داد که چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران را می‌توان در سه مقوله آموزش، پژوهش و خدمات مورد بررسی و تحلیل قرار داد و بر اساس این یافته‌ها و نظرات خبرگان، چهار سناریوی بازسازی‌گرایی، سازش‌گرایی، استانداردگرایی و سازنده‌گرایی را می‌توان برای آموزش عالی ایران متصور شد. پژوهش حاضر به این نتیجه انجامید که سناریوی مطلوب آموزش عالی ایران در افق ۱٤۰٤، سناریوی سازنده‌گرایی است.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، چشم‌انداز، رسالت، سناریو نویسی، منابع بالادستی

مقدمه و بیان مساله

دانشگاه ها نقش مهمی را در شکل دادن آینده جامعه جهانی در قالب توسعه پایدار و از طریق تولید دانش جدید ایفا می‌نمایند و همچنین به رشد صلاحیت های مناسب و بالا رفتن آگاهی کمک می کنند. امروزه، جوامع به نقش خطیر و حیاتی آموزش عالی در پیشبرد اهداف ملی و بین‌المللی واقف بوده و توجه ویژه‌ای به کیفیت برنامه‌های آن دارند. این امر، سیاست‌گذاران و متولیان آموزش عالی را به آینده نگری و تدوین چشم‌اندازها و رسالت‌هایی برای نظام آموزش عالی به عنوان کلیدی‌ترین نظام در جهت تحقق آینده مطلوب سوق داده است. در دهه‌های اخیر نقش دانشگاه‌ها دچار تغییراتی جدی شده و شواهد نشان می‌دهد که این تغییرات در آینده گسترده‌تر و عمیق‌تر خواهد شد. چهار عامل اصلی بر شکل گرفتن آینده دانشگاه تاثیرگذار است؛ نخست اینکه با توجه به نیاز جامعه رو به رشد، آموزش عالی نیز به شدت در حال رشد است و دامنه متنوعی از نیازهای مختلف را در بر می‌گیرد. دوم اینکه حدود اختیارات دانشگاه‌ها، با ورود تأمین کنندگان بخش خصوصی، در حال افزایش است .سوم اینکه به دلیل تفاوت های فراوان نظامهای آموزش عالی در نقاط مختلف دنیا و جهت گیری های متفاوت هر یک، نظام آموزش عالی با نوآوریهای جدیدی مواجه خواهد شد و سرانجام اینکه توسعه سریع فناوری های اطلاعاتی موجب تغییر در پارادایم های آموزشی و نیز افزایش درآمد نظام آموزش عالی خواهد شد (وین‌سنت-لانکرین[۱]، ۲۰۰٤).

طی سالهای اخیر دانشگاه‌ها به مثابه سازمان‌هایی با پیچیدگی فوق‌العاده در محیط آشوب بررسی شده‌اند (بارنت[۲]، ۲۰۰۰). جهان بسیار پر تعارض و محتوایش پر تنش شده است و دانشگاه‌ها باید به آینده‌اندیشی و آینده پژوهی دست بزنند و با قابلیت انعطاف و سازگاری فعال در اندیشه تعریف مجدد جایگاه و سهم خود در آینده این جهان متحول باشند (فراستخواه، ۱۳۹۲). از اینرو، آینده‌نگری در آموزش عالی در راستای تحقق

۱. Vincen- Lancrin
۲. Barnett

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

چشم‌اندازها و رسالت‌ها و اتخاذ راهبردهایی در جهت تحقق آن از لوازم اجتناب‌ناپذیر در کارآمدی نظام آموزش عالی ایران است.

در مدل سیاست‌گذاری کنونی آموزش عالی ایران، به پژوهش‌های مستقل میدانی توجه کمتری شده است (جاودانی، ۱۳۸۷). این امر موجب ایجاد گسست میان تولیدکنندگان دانش سیاستی و کاربران آن شده است. نتیجه اینکه اغلب مشاهده می‌شود که یافته‌های پژوهشی نهادهای تولید دانش در قلمرو علوم، تحقیقات و فناوری، به ندرت در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری به کار بسته می‌شوند. در واقع نوعی ناهمگرایی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در این قلمرو پدید آمده است (امیری فرح‌آبادی، ابوالقاسمی و قهرمانی، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، بیشتر پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه آینده‌نگاری و سناریونویسی در کشور، معطوف به حوزه فناوری و پس از آن سیاست‌گذاری است (گلدسته، ۱۳۹٦) و این امر سبب شده است که کاربرد روش‌های آینده‌نگاری مختص به حوزه آموزش عالی در ایران بسیار کم باشد. با این اوصاف، با وجود اهمیت والایی که کاربرد مفاهیم مرتبط با آینده‌نگاری در آموزش عالی دارد، این علم در کشور به عنوان حوزه‌ای نوپا در عرصه آموزش عالی مطرح است و نیازمند توجه ویژه و عمیق از سوی دست‌اندرکاران آموزش عالی می‌باشد.

آموزش عالی با توجه به تاثیرگذاری و تاثیرپذیری متقابل از جامعه، همواره در وضعیتی غیرپایا بر اساس مقتضیات تحولی جامعه قرار دارد. در این شرایط متغیر، ترسیم آینده ممکن و آمادگی و بسترسازی مناسب برای تحولات پرشتاب آینده، امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید که از لوازم تحقق اثربخش چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی است.

امروزه با اهتمام ویژه‌ای که به ایجاد نوآوری و خلق محصول در دانشگاه و شکل‌گیری پارک‌های علم و فناوری در پیرامون دانشگاه‌ها داده شده است، ضرورت اندیشیدن در مورد آینده دانشگاه‌ها و شرایطی که در این راستا و در فرایند تبدیل علم به محصول با آن دست و پنج نرم خواهند نمود بسیار حیاتی می‌نماید. از اینرو، پژوهش حاضر با واکاوی شاخص‌هایی که در منابع بالادستی درزمینهٔ علم و فناوری ارایه شده است، با تدوین سناریوهایی در تلاش است که به تحقق اثربخش آرمان‌های مذکور در آموزش عالی و تبیین شرایط ممکن در هر سناریو و سناریوی مطلوب احتمالی بپردازد.

ادبیات پژوهش

دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، نقش اساسی را در توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بر عهده دارند. دانشگاه در کنار داشتن استقلال، خودگردانی و آزادی‌های آکادمیک، باید در قبال استفاده خود از منابع عمومی، خصوصی، ملی و بین‌المللی، احساس مسئولیت و پاسخگویی به جامعه، مسئولان دیگر بخش‌ها را پیوسته مدنظر قرار دهد (فراستخواه، ۱۳۷۷). آموزش عالی

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

معرف مهم‌ترین نوع از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم کردن و ارتقای دانش، نگرش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز کارکنان در زمینه‌های مختلف به توسعه اقتصادی کمک می‌کند. نقش و جایگاه آموزش عالی در این عرصه زمانی می‌تواند روشن‌تر شود که به این حقیقت توجه گردد که پیش‌بینی‌ها و برآوردهای علمی، تغییرات و پیشرفت‌های سریعی را در حوزه فناوری و به تبع در کارکرد نهادهای اقتصادی جامعه ترسیم می‌کنند (فتحی واجارگاه و خسروی، ١٣٩٢).

آموزش عالی به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های عمومی کشور از منابع و امکانات عمومی استفاده می‌کند. بنابراین مردم و جامعه از دولت انتظار دارند که این منابع و امکانات را به درستی مورد بهره‌برداری قرار دهد. آنها انتظار دارند که دولت بهترین شیوه‌ها و سیاست‌ها را برای رسیدن به اهداف موردنظر برگزیند (حاجی‌پور، فروزنده، دانایی‌فرد و فانی، ١٣٩٤) و از آموزش عالی انتظار ایجاد تغییرات سازنده را در جامعه دارند. این امر سبب شده است برونداد و عملکرد آموزش عالی با حساسیت بیشتری از سوی جامعه پی‌گیری گردد. دولت ها به موازات حمایت‌هایی که از نظام آموزش عالی به عمل می‌آورند، مطالبه‌گران اصلی این نظام‌ها در خصوص ارتقای کیفیت برای بروندادهای آنها نیز هستند و در این راستا، به منظور اطمینان از اثربخشی نظام آموزش عالی، به ترسیم آرمان‌ها و تعیین جهت‌گیری‌هایی برای این نظام پرداخته‌اند. این آرمان‌ها و جهت‌گیری‌ها که در قالب سیاست‌های اتخاذ شده از سوی سیاستگذاران نمود می‌یابد، مسیر حرکت آموزش عالی را مشخص ساخته و در قالب چشم‌اندازها و رسالت‌ها در این زمینه ایفای نقش می‌نماید. این چشم اندازها و رسالت ها برای آموزش عالی، به منزله یک شاخص در راستای برنامه ریزی بر اساس ضعف ها و قوت های خود جهت تضمین کارایی و اثربخشی مورد توجه قرار دارد (آنتوناکیس و هوبایبر[١]، ٢٠٠٧). چشم‌انداز و رسالت در بسیاری از متون در حوزه آموزش عالی به اشتباه به جای هم به‌کار گرفته می‌شوند که تعریفی روشن از هر یک، می‌تواند به ایجاد تمایز بین آنها کمک نماید.

چشم‌انداز می‌تواند به عنوان تصویری از آنچه که سازمان می‌خواهد باشد و آنچه که در نهایت می‌خواهد به آن دست یابد تعریف گردد (هیت، آیرلند و هوسکیسون[٢]، ٢٠١١). چشم‌انداز صرفا تخمین آینده نیست بلکه تصمیم‌گیری برای آینده است و نشان می‌دهد که چه نوع آینده‌ای برای سازمان مناسب و مطلوب است تا مطالعات و فعالیت‌ها در راستای آن هدایت شود (یون[٣]، ٢٠٠٦). بدون یک چشم‌انداز روشن، موسسات آموزش عالی تمرکز خود را از دست می‌دهند که به نوبه خود می‌تواند حرکت در مسیر بهبود را با مشکل مواجه سازد

١. Antonakis & Hoobeijber
٢. Hitt, Ireland & Hoskisson
٣. Yoon

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

(واس، ورب‌روگن و رایت[۱]، ۲۰۱۰؛ رایت[۲]، ۲۰۱۰). از سوی دیگر، رسالت، فعالیت‌ها و عملکردهای سازمانی تحت چشم‌انداز را مشخص می‌سازد (هیت و همکاران، ۲۰۱۱) و به رشد فرایندهای برنامه‌ریزی مناسب و آماده نمودن سازمان برای آینده کمک می‌نماید (لی، بارکر و موشر[۳]، ۲۰۱۳). رسالت همچنین جهت و اهداف سازمان را به هم مرتبط ساخته (بارکوش، گلاسمن و مکافی[٤]، ۲۰۰٦) و رفتار و تصمیمات سازمان را در راستای یک هدف، متحد و یکپارچه می‌نماید (دیویس، روح، لی و راجاجیاکشا[۵]، ۲۰۰۷).

سازمان ها به موازات تعریف و ترسیم چشم اندازهای خود، به تفکر در ارتباط با بستر مناسب جهت تحقق آنها نیز می پردازند. از اینرو آینده‌پژوهی و تدوین سناریوهای احتمالی در راستای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها بسیار ضروری و سودمند در این زمینه می‌نماید. آینده پژوهی آموزش عالی و سناریونویسی، سهم بسزایی از پژوهش‌ها را در کشورهای داراری نظام آموزش عالی پیشرفته به خود اختصاص داده است. اغلب توجهات و نتایج حاصله از این سناریوها پیرامون موضوعات مختلفی نظیر پوشش تقاضای اجتماعی برای ورود به آموزش عالی، پاسخگویی به اولویت‌ها و مسایل اجتماعی، توسعه و گسترش آموزش عالی با ملاحظه تضمین کیفیت، تولید علم و یا تبدیل علم به محصول شکل گرفته و می‌توان سناریوها را بر اساس این موضوعات دسته‌بندی نمود. البته این دسته‌بندی به صورت مطلق و انحصاری نباید مورد توجه قرار گیرد، بلکه تقسیم‌بندی مذکور نسبی بوده و در هر دسته، یکی از این موضوعات بیشتر از بقیه مورد اهتمام و تاکید قرار دارد. در ادامه به این دسته‌بندی و برخی از پژوهش‌های درون هر یک اشاره شده است.

درزمینهٔ توجه به نیازها و اولویت‌های اجتماعی در سناریونویسی، تجربه دانشگاه دوبلین نمونه مناسبی به نظر می‌رسد. این پروژه در دو بخش سناریوهای محیطی و سناریوهای برنامه دانشگاهی صورت پذیرفته است. در این سناریوها، ذی‌نفعان در یک‌طرف قضیه به‌صورت دولت، اجتماع و شهروندان و در طرف دیگر، از طریق بازار، فرد و مشتریان عمل می‌کنند و برحسب تقاطع آن‌ها چهار مؤلفه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شکل می‌گیرد. برحسب دو عامل تحرک و باز بودن دانشگاه، دو سناریو تعریف شده است: در اولی که بیشتر طرف دولت، اجتماع و شهروندان است و تحرک و باز بودن نسبتاً کمتر مدنظر قرار گرفته است، دانشگاه باید خاستگاه اجتماعی و نیازهای محلی و مشارکت و هویت را در افق خود قرار بدهد و در سناریوی دوم، دانشگاه باید بازار و تحرک و باز بودن بیشتر را منظور کند که مقتضیات رقابتی و جهانی‌شدن را با خود دارد (مانک و

۱. Waas, Verbruggen & Wright
۲. Wright
۳. Lee, Barker & Mouasher
٤. Bartkus, Glassman & Mcafee
۵. Davis, Ruhe, Lee & Rajadjyaksha

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

مک کانیل[1]، ۲۰۰۹). در ارتباط با پاسخگویی به نیازهای جامعه، در پژوهشی دیگر، مهدی (۱۳۹۲) با عنوان «آینده‌پژوهی در آموزش عالی دانشگاه اسلامی، دانشگاه سازگار با محیط و زمینه» که از روش نظریه مبنایی با رویکرد اکتشافی استفاده نمود به این نتیجه دست‌یافت که مقوله محوری دانشگاه آینده، سازگاری با محیط و زمینه است. این تحقیق همچنین به این نتیجه انجامید که بر مبنای نتایج آینده‌پژوهی و تحلیل محتوای سند دانشگاه اسلامی، دانشگاه اسلامی باید با محیط محلی و ملی سازگار بوده و درزمینهٔ بومی و ملی، وظایف اصلی خود را شامل آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی -فرهنگی، به شکل مطلوب انجام دهد.

پوشش تقاضای اجتماعی، به‌عنوان موضوع مناسب دیگری برای آینده‌نگاری در آموزش عالی بوده است. در این راستا و در توجه به تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی، منتظر و فلاحتی (١٣٩٤) آینده آموزش عالی ایران و کارکرد فناوری اطلاعات در آن را در افق ١٤٠٤ تحلیل نموده‌اند. آن‌ها در پژوهش خود از روش سناریونویسی GBN[2] استفاده کردند و چهار سناریوی متفاوت برای آینده آموزش عالی حاصل گردید. سناریوی اول، وضعیت ملی شدن و عرضه محور شدن آموزش عالی را نشان می‌دهد. سناریوی دوم، وضعیت ملی شدن و تقاضامحور شدن آموزش عالی را بیان می‌کند. سناریوی سوم، وضعیت بین‌المللی شدن و تقاضامحور بودن آموزش عالی را در آینده به تصویر می‌کشد؛ و سناریوی چهارم متأثر از وضعیت بین‌المللی شدن و عرضه محور شدن آموزش عالی است. آن‌ها همچنین در پژوهش خود نشان دادند که امکان‌پذیری سناریوی سوم بیشتر از سایر سناریوها بوده و در مقابل سودمندی سناریوی دوم بیشتر از سایر سناریوها است. گلدسته (١٣٩٥) در پژوهش خود با استفاده از فن سناریونویسی و روش GBN، به ارائه مدل روند جذب دانشجو در دانشگاه‌های غیرانتفاعی غیردولتی در افق سند چشم‌انداز ١٤٠٤ پرداخته و چهار سناریوی بازی جوانمردانه، واگذاری میدان، قهرمان بازنده و بازی مرگ را در این زمینه تدوین نموده است. وی در پژوهش خود نشان داد که سناریوی اول (بازی جوانمردانه) مناسب‌ترین شرایط را برای نظام آموزش عالی کشور رقم خواهد زد. کیفیت آموزشی و عقلانیت در تصمیم‌گیری کنشگران به بهترین شکل خود نمود پیدا خواهد کرد. داوطلبان و دانشجویان زیر نظام آموزش عالی نیز ذی‌نفع این سناریو خواهند بود؛ چون از کیفیت آموزشی مناسبی در محیط تحصیل خود برخوردار خواهند شد.

در برخی دیگر از سناریوها، دغدغه اصلی معطوف به توسعه و گسترش آموزش عالی با ملاحظه تضمین کیفیت بوده است. در این زمینه، (فراستخواه ١٣٩٣) با بهره‌گیری از روش GBN به تدوین چهار سناریوی متفاوت برای آینده گسترش آموزش عالی ایران پرداخته است. سناریوی اول شامل توسعه متناسب و موزون آموزش

---

١. Munck & McConnell
٢. General Business Network

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

عالی بین‌المللی شده، باکیفیت، اعتبارسنجی شده و سطح‌بندی است؛ سناریوی دوم دربرگیرنده دانشگاه‌هایی باکیفیت بدون آمایش سرزمینی و توزیع متوازن فضایی و متناسب با نیازها بود؛ سناریوی سوم به گسترش متناسب و موزون آموزش عالی و بدون تعامل بین‌المللی، بدون استقرار استانداردهای کیفیت می‌پرداخت؛ و سناریوی چهارم نشان‌دهنده ادامه وضع موجود بود. ازنظر پژوهشگر، سناریوی اول، گزینه مطلوب نظام آموزش عالی ایران شناخته‌شده است. هایرمات و آلبال[۱] (۲۰۱٦) در هند با ارائه وضعیت فعلی و چالش‌های پیش روی آموزش عالی در هند و تصویر یک وضعیت مناسب برای آینده آن، به تدوین سناریوی فعلی آموزش عالی هند پرداختند. سناریوی آن‌ها از نوع اگر- آنگاه بود. محققان وضعیت موجود آموزش عالی هند را درگیر مشکلات ناشی از سامانه فئودالی مدیریت، فقدان منابع مالی مناسب و دخالت‌های سیاسی می‌دانند. آن‌ها اعتقاد دارند که برای نزدیک نمودن این سامانه به استانداردهای مطلوب، باید در سه حوزه اصلی کیفیت آموزش بر اساس اصلاح ساختار، مدرسین و نظام اعتبارسنجی؛ مقرون‌به‌صرفه نمودن تعلیم و تربیت؛ و رعایت مسائل اخلاقی در تعلیم و تربیت اقدام نمود. در پژوهش دیگر در این راستا، الوانی و مردانی (۱۳۹۱) به طراحی الگوی توسعه آموزش عالی ایران در افق چشم‌انداز بیست‌ساله کشور پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که در طراحی الگوی توسعه آموزش عالی و بررسی میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های ده‌گانه بر فرایند توسعه (ارزشی- دینی، فرهنگی –اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی – سازمانی، جغرافیایی، جمعیتی، زمانی، فناوری، سیاسی و امنیتی)، سه عامل مدیریتی-سازمانی، فرهنگی-اجتماعی و جغرافیایی نسبت به دیگر عوامل از اهمیت بیشتری برخوردارند.

در برخی از پژوهش‌های درزمینهٔ سناریونویسی در آموزش عالی، نقش دانشگاه آینده درزمینهٔ تولید علم و ایده-های جدید و همچنین پژوهش و تبدیل علم به محصول خلاصه شده است. به‌عنوان نمونه، روثمن، لاد و لایپس[۲] (۱۹۹۹؛ به نقل از روثمن، کیلی ووسنر و ووسنر[۳]،۲۰۱۱) در مطالعه پیمایشی دانشگاهی آمریکای شمالی ((NAASS[٤] از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای، به نظرخواهی از دانشجویان، اعضای هیئت‌علمی و مدیران در مورد انتخاب یکی از دو چشم‌انداز آموزش عالی (رشد ایده‌های جدید و پاسخ به نیازهای اقتصادی) پرداختند. پژوهش آن‌ها به این نتیجه انجامید که اکثریت اعضای هیئت‌علمی، مدیران و دانشجویان، نقش گسترده دانشگاه را رشد ایده‌های جدید می‌دانند. درزمینهٔ نقش پژوهشی و تبدیل علم به محصول، وینسنت- لانکرین (۲۰۰٦) در پژوهش دیگری در یک افق ۲۰ ساله بر اساس دو نیروی پیشران استخراج‌شده مهم و به شیوه کسب‌وکار

۱. Hiremath & Albal
۲. Rothman, Ladd, & Lipse
۳. Kelly- Woessner & Woessner
٤. North American Academic Survey Study

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

عمومی GBN، چهار سناریو برای پژوهش‌های علمی تدارک دیده است. در این بررسی، گستره و سطح پژوهش (با دونقطه انتهایی ملی و بین‌المللی) و سفارش‌دهنده پژوهش (با دونقطه انتهایی دولت و بازار) به‌عنوان دو اولویت اول نیروهای پیشران انتخاب شده‌اند. از ترکیب حالت‌های نقاط انتهایی این دونیروی پیشران، ٤ سناریوی متفاوت استخراج شده است که سناریوی اول شامل همکاری و تشریک‌مساعی پژوهشی آزاد در سطح جهان بود؛ سناریوی دوم به ارتقای سطح دستاوردهای پژوهشی در سطح ملی می‌پرداخت؛ سناریوی سوم به موضوع بازار جهانی پژوهش و سناریوی چهارم موضوع مدیریت نوین عمومی را موردتوجه قرار داده است. در پژوهشی دیگر دراین‌ارتباط، انجمن منطقه‌ای دانشگاه‌های جنوب آفریقا[1] (۲۰۱۲) سناریوهایی برای آینده آموزش عالی در منطقه جنوب آفریقا ارائه نموده‌اند. روش سناریونویسی GBN بوده و چهار سناریوی مجزا تدوین شده است؛ در سناریوی دهکده دانش، کشورهای منطقه جنوب آفریقا از مزیت یک سامانه قوی آموزش عالی با نیروی انسانی توانمند برخوردارند و همچنین به‌تمامی مزایای حاصل از انقلاب فناوری دست یافته‌اند؛ در سناریوی پرواز ازدست‌رفته، کشورهای موردنظر به مزایای حاصل از فناوری‌های نوین دست‌یافته‌اند، اما از نیروی انسانی توانمند برخوردار نیستند؛ در سناریوی دانشگاه در جستجوی روح خود، کشورها به نیروی انسانی توانمند دسترسی دارند، اما فناوری لازم را در اختیار ندارند؛ در سناریوی تخریب آموزش عالی، دانشگاه با تقاضای بالای آموزش نسل سوم روبه‌رو خواهد بود و آموزش کیفیت پایین خواهد داشت.

از مجموع پژوهش‌های انجام‌گرفته، می‌توان استنباط نمود فلسفه شکل‌گیری سناریوها متفاوت بوده و هر سناریو با توجه به بافت و زمینه خود، با نتایج مشخصی درزمینهٔ آینده‌ی آموزش عالی همراه بوده است؛ اما درزمینهٔ و بافت آموزش عالی ایران، رسیدن به‌نوعی وفاق و مسیر مشخص در بین موضوعات مطرح‌شده به‌منظور رهایی از سردرگمی ضروری به نظر می‌رسد. آموزش عالی ایران بر اساس چشم‌اندازها و رسالت‌هایی که برای آن در تحقق آرمان‌های چشم‌انداز بیست‌ساله ایران متصور شده است، با فرصت‌های عظیمی روبرو هست که با برنامه‌ریزی کارآمد می‌تواند سهم بسزایی در نیل به این آرمان‌ها در سند مذکور و انجام به نحو مطلوب رسالت خود داشته باشد. در این میان، روشن ساختن چشم‌انداز و رسالت‌های آموزش عالی برای جامعه دانشگاهی و تعیین و شناسایی سناریوی مطلوب که بستر و زمینه را برای نیل به این چشم‌اندازها و رسالت‌ها فراهم می‌نماید، می‌تواند به کارایی و اثربخشی نظام آموزش عالی در ایفای به نحو مطلوب نقش خود در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کمک نماید. در حقیقت در پژوهش حاضر، به سناریونویسی در راستای نقش دانشگاه‌ها درزمینهٔ تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها با توجه به همه موضوعات مطرح در پژوهش‌های آینده‌نگاری انجام‌گرفته و همه

۱. SARUA(Southern Africa Regional Universities Association)

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

جوانب کارکردی آن یعنی آموزش، پژوهش و خدمات پرداخته‌شده است. با این اوصاف، پژوهش حاضر بررسی سؤالات ذیل را در دستور کار قرار داده است:

۱. چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱٤۰٤ کدامند؟

۲. سناریوهای ممکن برای آموزش عالی ایران در افق ۱٤۰٤ چیست؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر کیفی بوده و به‌منظور تحلیل عوامل نهایی شکل‌دهنده‌ی آینده‌ی مطلوب آموزش عالی، از فن سناریونویسی برای آینده‌نگاری بهره گرفته شده است. در سناریونویسی، از روش شبکه کسب‌وکار عمومی (GBN) استفاده شده است. بر طبق نظر گلدسته (۱۳۹٦) روش GBN متداول‌ترین روش سناریونویسی در حوزه آموزش عالی است. به‌منظور شناسایی عوامل کلیدی و دارای عدم قطعیت مؤثر بر تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی در افق ۱٤۰٤، ابتدا به تحلیل محتوای کیفی منابع بالادستی که جهت‌گیری‌هایی نسبت به آموزش عالی داشتند اقدام گردید. سپس با استفاده از تحلیل محتوای انجام‌گرفته بر روی منابع بالادستی و مطالعه مبانی نظری به شناسایی عوامل کلیدی و تأثیرگذار بر تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی که از عدم قطعیت برخوردارند پرداخته شد و با استفاده از نظرات خبرگان، اجماع بر روی دو عامل با عدم قطعیت اساسی انجام گرفت. پس از شناسایی عوامل کلیدی، با انتقال آن‌ها بر روی یک ماتریس، در یک فضای دوبعدی حاصل از تقابل محورهای مرتبط با عامل‌های تشکیل‌دهنده سناریوها (شوآرتز و اوگیلوی[۱]، ۲۰۰٤)، به نمایش سناریوها بر روی بخش‌های مختلف آن پرداخته شد.

جامعه اول پژوهش حاضر، منابع بالادستی بوده است که جهت‌گیری در راستای چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی داشته‌اند. از این جامعه آماری، هفت منبع بالادستی چشم‌انداز بیست‌ساله، سند تحول علم و فناوری، نقشه جامع علمی کشور، سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور، سند دانشگاه اسلامی، سیاست‌های کلی علم و فناوری و برنامه ششم توسعه مبتنی بر سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری (۱۳۹٤) با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب‌شده و تحلیل محتوای کیفی بر روی آن‌ها انجام گرفت. منابع مذکور به این دلیل انتخاب شدند که بازتاب‌دهنده دقیق‌تر پرسش پژوهش در جهت پاسخ به تبیین چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی هستند. صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی کشور به‌عنوان جامعه دوم پژوهش بودند. از این جامعه آماری به‌طور هدفمند ۱٤ نفر انتخاب‌شده و به نظرخواهی از آن‌ها درزمینهٔ عوامل کلیدی و تأثیرگذار بر تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی اقدام گردید. این افراد از تخصص سیاست‌گذاری آموزش عالی، برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی، و برنامه‌ریزی و توسعه آموزش عالی برخوردار

۱. Schwartz & Ogilvy

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

بوده و اطلاعات ارزشمندی درزمینهٔ موضوع پژوهش داشتند و اغلب دارای پست‌های مدیریتی در حوزه آموزش عالی بوده‌اند.

در جدول شماره ۱، خصوصیات شرکت‌کنندگان در بخش کیفی که از آن‌ها مصاحبه به عمل آورده شد، ارائه گردیده است. به دلیل رعایت ملاحظات اخلاقی، از ذکر نام مصاحبه‌شوندگان خودداری شده و با اختصاص کد، در جدول ذیل و در تحلیل مصاحبه‌ها مشخص‌شده‌اند.

جدول ۱: شماره، تخصص و سابقه فعالیتی مصاحبه‌شوندگان در تحقیق

کد مصاحبه‌شونده	تخصص و سوابق فعالیت
۱	متخصص برنامه‌ریزی درسی و برخوردار از سوابق فعالیتی اعم از اجرای کارگاه‌ها و پروژه‌ها درزمینهٔ برنامه درسی محیط کار
۲	متخصص برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی
۳	سیاست‌گذار در حوزه آموزش عالی و برخوردار از سابقه مدیریتی در حوزه مذکور
۴	سیاست‌گذار در حوزه آموزش عالی و برخوردار از سوابق فرهنگی در حوزه مذکور
۵	متخصص برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی و دارای تألیفات گسترده در حوزه مذکور
۶	متخصص برنامه‌ریزی درسی و برخوردار از سوابق فعالیتی در حوزه آموزش مهارتی
۷	سیاست‌گذار در حوزه آموزش عالی و دارای تخصص درزمینهٔ برنامه‌ریزی و توسعه آموزش عالی
۸	سیاست‌گذار در حوزه آموزش عالی و عضو کارگروه تدوین نقشه جامع علمی کشور
۹	متخصص برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی
۱۰	متخصص برنامه‌ریزی درسی و برخوردار از سابقه مدیریتی در دفتر برنامه‌ریزی وزارت علوم
۱۱	متخصص برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی و دارای تألیفات گسترده در حوزه مذکور
۱۲	متخصص برنامه‌ریزی درسی و عضو کارگروه تدوین نقشه جامع علمی کشور
۱۳	متخصص برنامه‌ریزی درسی و دارای تألیفات گسترده و قابل‌توجه درزمینهٔ آموزش و یادگیری الکترونیکی
۱۴	متخصص برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی و از مدرسان مشهور درزمینهٔ یاددهی- یادگیری

به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها، از فرم تحلیل محتوا و نیز فرم مصاحبه بهره گرفته شده است. به‌منظور بررسی روایی این ابزارها، از روش روایی صوری و محتوایی و ازنظر متخصصان استفاده گردید. برای این منظور، ابتدا فرم اولیه تحلیل محتوای منابع بالادستی که شامل مؤلفه‌های چشم‌انداز و رسالت و ابعاد موردنظر برای بررسی در هرکدام از این مؤلفه‌ها بود و نیز فرم مصاحبه که دربرگیرنده سؤالات اولیه درزمینهٔ عوامل دارای عدم قطعیت بود، در اختیار شش نفر از صاحب‌نظران حوزه علم و فناوری و سیاست‌گذاری آموزش عالی برای تغییر و اصلاح قرار گرفت که پس از اعمال‌نظر و تائید آن‌ها، فرم تحلیل محتوا و مصاحبه تهیه و بدین‌وسیله روایی-سنجی گردیدند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

برای تعیین پایایی نیز از روش پایایی بین کدگذاران (پایایی ارزیاب‌ها[۱]) و به روش مایلس و هابرمان[۲] (۱۹۹٤) برای تحلیل محتوای منابع بالادستی بهره گرفته‌شده که در این تحقیق برابر با ۰/۷۹ تعیین‌شده است. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از شصت درصد است، می‌توان گفت که درصد پایایی بین کدگذاران تائید می‌شود. در مرحله بعد به‌منظور بررسی پایایی از نوع «بازبینی توسط اعضاء[۳]»، کدها و مقوله‌های مستخرج از منابع بالادستی، در اختیار شش نفر از صاحب‌نظران حوزه آموزش عالی قرار گرفت و نظرات اصلاحی آن‌ها درزمینهٔ موارد استخراج‌شده اعمال گردید (قابل‌ذکر است که این افراد در مرحله قبل از انجام تحلیل محتوا، روایی سنجی ابزارها را نیز انجام داده بودند). سپس نسخه اصلاحی مجدداً برای آن‌ها ارسال و موردبررسی و تائید آن‌ها قرار گرفت.

اعتبار سناریوها نیز با استفاده از معیارهای ویلسون (۱۹۹۸) در اعتبارسنجی سناریوها، ازنظر امکان‌پذیری، سازگاری درونی، سودمندی و ارتباط و تفاوت سناریوها با یکدیگر توسط پنج نفر از خبرگان آموزش عالی موردبررسی و تائید قرار گرفت. به‌منظور تحلیل داده‌های کیفی، از روش تحلیل محتوای کیفی و از روش تحلیل تفسیری (فرحزاد، ۱۳۸٤) به‌منظور تحلیل داده‌ها و استخراج مقوله‌ها از منابع بالادستی استفاده گردید. در این راستا، ابتدا به شناسایی جملات و عبارات معنی‌دار در منابع بالادستی و پیام‌های نهفته در آن‌ها اقدام گردید. سپس تحلیل محتوای کیفی بر روی گزاره‌های به‌دست‌آمده، حذف کدهای تکراری و ادغام آن‌ها در کد کلی‌تر انجام گردید و به همین ترتیب، شناسایی و استخراج مقوله‌ها حاصل شد.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول. چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱٤۰٤ کدامند؟

در تحلیل محتوای منابع بالادستی، متن اسناد و سیاست‌ها به‌طور دقیق موردبررسی و کندوکاو قرار گرفت و درمجموع ۱۰۳ کد (٦۸ مورد چشم‌انداز و ۳۵ مورد رسالت) استخراج شد. بعد از تحلیل محتوا بر روی کدهای حاصل و ترکیب کدهای تکراری در یک منبع با یکدیگر، در مرحله دوم، ۸۲ کد (۵۱ مورد چشم‌انداز و ۳۱ مورد رسالت) و در مرحله سوم، ٦۵ کد (٤۳ مورد چشم‌انداز و ۲۲ مورد رسالت) به دست آمد و بر این اساس، مقوله‌های اصلی (آموزش، پژوهش و خدمات) در هر یک از مؤلفه‌های چشم‌انداز و رسالت بر اساس سه کارکرد آموزش عالی حاصل گردید و در هر مقوله، موضوعات مهم‌تر و کلی‌تر به تفکیک، مشخص‌شده و به‌عنوان چشم‌انداز و رسالت آموزش عالی در نظر گرفته شد (جدول ۲).

۱. Inter-rater reliability
۲. Miles and Huberman
۳. Member Checking

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

جدول ۲: تحلیل محتوای کیفی منابع بالادستی درزمینهٔ چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی در افق ۱۴۰۴

زمینه اصلی	مقوله	زیر مقوله	کدها
چشم‌انداز	آموزش	۱-رشد آموزش مادام‌العمر، ۲- دستیابی به عدالت آموزشی، ۳- تحول و ارتقای علوم انسانی، ۴- اهتمام به ارزش‌های فرهنگی ۵- بهره‌مند از اساتید کارآمد	۱- فرصت‌های آموزشی مادام‌العمر (۱)؛ ۲- امکان دسترسی به اطلاعات و دانش برای همه آحاد جامعه (۱)؛ ۳- توسعه کمی و کیفی نظام آموزش عالی (۷)؛ ۴- تحول و ارتقای علوم انسانی (۲، ۵ و ۷)؛ ۵- تبیین و توسعه فرهنگ جهانی اسلام (۳)؛ ۶- دارای اساتید عالم، متدین و عدالت‌خواه و آزاداندیش تربیت‌یافته در مکتب اسلام و انقلاب (۷ و ۳)؛ ۷- اساتید مسئولیت‌پذیر در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی (۳)؛ ۸- اساتید دارای توانایی تربیت متخصصانی متدین و متعهد و دانشمندانی برتر (۳)، ۹- اساتید انقلابی (۳ و ۷)، ۱۰- اساتیدی محقق (۳)؛ ۱۱- اساتید تولیدکننده علم نافع (۳)، ۱۲- علوم منطبق بر آموزه‌های دینی وحیانی و مبانی انقلاب اسلامی (۲ و ۳)؛ ۱۳- جذب هیئت‌علمی مستعد و باانگیزه (۵ و ۷)؛ ۱۴-اساتیدی با توانایی تولید محتوای آموزشی منطبق بر دین (۳)، ۱۵- ارتقای منزلت و بهبود معیشت اساتید (۷)، ۱۶- اهتمام به زبان و ادب فارسی (۷)؛ ۱۷- تربیت دانشمندانی در تراز بهترین‌های جهان (۴)
	پژوهش	۱-اهتمام به ارزش‌های دینی و فرهنگی در تولید و توسعه فناوری، ۲- پیشتاز در مرزهای دانش و فناوری در جهان، ۳- بهره‌مند از نیروی انسانی کارآمد در عرصه پژوهش و فناوری، ۴- برخوردار از نهادها و شبکه‌های علمی و فناوری کارآمد، ۵- توسعه نهضت نرم‌افزاری؛ ۶- تأکید بر تحقیقات کاربردی و توسعه‌ای در آموزش عالی	۱-توانا در تولید و توسعه علم و فناوری و نوآوری (۴، ۶، ۵ و ۷)؛ ۲- پیشتاز در مرزهای دانش و فناوری با مرجعیت علمی در جهان (۴)؛ ۳- نهادها و شبکه‌های علمی و فناوری کارآمد (۱)؛ ۴- جایگاه اول علم و فناوری منطقه (۱ و ۷)؛ ۵ — دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های پیشگام در عرصه تولید دانش تمدنی (۳)؛ ۶- گسترش مرزهای دانش و علوم کاربردی مبتنی بر نگرش وحیانی (۳)؛ ۷- پیشتاز نهضت نرم‌افزاری (۳)؛ ۸- جذب و تربیت محققانی نوآور و توانمند در حل و تحلیل چالش‌های علمی و بین‌المللی (۳)، ۹- تعامل با حوزه (۳ و ۷)؛ ۱۰- تحکیم پیوند میان نظام آموزش عالی با تحقیقات کاربردی و توسعه‌ای (۷)؛ ۱۱- پیشتاز در فن‌آوری‌های نوین (۱ و ۶).
	خدمات	۱-بهره‌مند از سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی غنی، ۲- ارتقای سطح کیفی زندگی افراد جامعه؛ ۳- ایجاد تغییر مثبت درزمینهٔ نگرش افراد جامعه به زندگی	۱-برخوردار از انسان‌های صالح و فرهیخته و تربیت‌شده در مکتب اسلام و انقلاب (۴ و ۳)؛ ۲- دانش‌آموختگانی مولد ثروت و اقتدار ملی (۱)؛ ۳- جامعه‌ای بهره‌مند از سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی غنی (۱)؛ ۴- دانش‌آموختگانی خردورز، آزاداندیش و خلاق (۳)، ۵- دانش‌آموختگانی با اعتمادبه‌نفس علمی و ملی بالا (۳)، ۶- دانش‌آموختگانی باقابلیت تأمین استقلال علمی و خودکفایی کشور (۳)؛ ۷- دانش‌آموختگانی برخوردار از هویت تمدن ساز اسلامی- ایرانی (۳، ۶ و ۱۰)؛ ۸- دانش‌آموختگانی متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی (۳)؛ ۹- جامعه‌ای الگو درزمینهٔ سبک زندگی اسلامی- ایرانی (۳)؛ ۱۰- جامعه‌ای متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی (۶)؛ ۱۱- جامعه‌ای متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی خود (۶)؛ ۱۲- ارتقای مردم‌سالاری دینی (۶)؛ ۱۳- گسترش عدالت اجتماعی (۶)؛ ۱۴- توسعه ایران (۶ و ۷)؛ ۱۵- بهره‌مند از امنیت اجتماعی (۶)

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

رسالت	آموزش	۱- اصلاح و بازنگری در متون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی، ۲- توسعه علوم پایه، ۳- متناسب‌سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با نیازهای تولید و اشتغال ۴- تربیت متخصصینی متعهد و کارآفرین	۱-گسترش و تقویت بنیان‌های محیط آموزشی خلاق و فضیلت پرور (۱)؛ ۲- اصلاح و بازنگری در متون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی (۵ و ۷)؛ ۳- توسعه علوم پایه (۲، ۵ و ۷)؛ ۴- متناسب‌سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با نیازهای تولید و اشتغال (۲)؛ ۵- تربیت متخصصینی متعهد، خلاق، متخلص، ماهر و کارآفرین (۳ و ۷)؛ ۶- افزایش سهم آموزش‌های مهارتی در نظام آموزش کشور (۲)؛ ۷- ارتقای توانمندی و سطح علمی منابع انسانی (۷)؛ ۸- روزآمد کردن دانش (۷).
	پژوهش	۱-ارتقا بخشی و نهادینه‌سازی پژوهش و فناوری در افراد و سازمان‌ها، ۲- بهره‌گیری از فناوری به همراه کارآفرینی و اخلاق حرفه‌ای و در خدمت نیازهای جامعه اسلامی ۳- گسترش تعامل با سایر کشورها درزمینهٔ پژوهش و فناوری، ۴- توسعه پژوهش‌های بنیادین و نظریه‌پردازی، ۵- تجاری‌سازی پژوهش و فناوری	۱-نهادینه کردن پژوهش محوری و نوآوری در افراد و سازمان‌ها (۱)؛ ۲- ایجاد، انتقال، جذب، بومی‌سازی، انتشار و به‌کارگیری فناوری به همراه کارآفرینی و اخلاق حرفه‌ای (۱ و ۷)؛ ۳- توسعه تحقیقات بنیادی (۲، ۵ و ۷)؛ ۴- نظریه‌پردازی و نوآوری (۲ و ۷)؛ ۵- ساماندهی نظام ملی آمار و اطلاعات علمی، پژوهشی و فناوری جامع و کارآمد (۲)؛ ۶- تعامل فعال با سایر کشورها درزمینهٔ پژوهش و فناوری (۲ و ۷)؛ ۷- حمایت از پژوهش‌های مسئله محور (۲)؛ ۸- تجاری‌سازی پژوهش و نوآوری (۲)؛ ۹- تولید علم و فناوری در خدمت نیازهای جامعه اسلامی (۳)؛ ۱۰- ارتقای کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی مربوط (۵)
	خدمات	۱-تقویت خردورزی و آزاداندیشی در جامعه، ۲- تولید درآمد ۳- تأمین رفاه اجتماعی جامعه	۱-نهادینه کردن تفکر هوشمندانه و نقادانه در جامعه (۱)؛ ۲- تولید ثروت و تأمین رفاه اجتماعی جامعه (۱)؛ ۳- انتشار علم و فناوری در خدمت نیازهای جامعه اسلامی (۳)؛ ۴- توسعه تجارت و صادرات محصولات دانش‌بنیان (۲)

۱-سند تحول راهبردی علم و فناوری؛ ۲- سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه؛ ۳- سند دانشگاه اسلامی؛ ٤- نقشه جامع علمی کشور؛ ۵- سیاست‌های کلی علم و فناوری؛ ٦- سند چشم‌انداز بیست‌ساله؛ ۷- سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علم و فناوری

همان‌طوری که در جدول ۲ مشاهده می‌گردد، کدها، زیر مقوله‌ها و مقوله‌ها به تفکیک چشم‌انداز و رسالت ذکرشده است. مقوله‌ها بر اساس سه کارکرد آموزش عالی که سه بازوی آموزش عالی در تحقق اهداف خود محسوب می‌گردد آورده شده است. موضوعات مهم‌تر که کلی‌تر از بقیه موارد و یا ترکیبی از چند کد هستند به‌عنوان زیر مقوله در نظر گرفته‌شده‌اند. کدها نیز حاصل تحلیل محتوای انجام‌گرفته بر روی گزاره‌ها در منابع بالادستی می‌باشند. در تحلیل محتوا بر روی کدها، کدهای تکراری که موارد زیادی را در هر منبع به خود اختصاص می‌دادند با یکدیگر ترکیب‌شده و با عنوان یک کد کلی‌تر و نماینده آن منبع ذکرشده‌اند. منابع بالادستی که کدها از آن مستخرج شده‌اند، با ذکر شماره (۱ تا ۷) برای هر کد مشخص شده است.

سؤال دوم: سناریوهای ممکن برای آموزش عالی ایران در افق ۱٤۰٤ چیست؟

بر اساس تحلیل محتوای منابع بالادستی درزمینهٔ چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی در افق ۱٤۰٤ و مقوله-های شناسایی‌شده بر اساس کارکردهای آموزش عالی در این زمینه و مطالعه مبانی نظری، از عوامل ده‌گانه «اهتمام به تحقیقات کاربردی، ارتقای کیفیت آموزشی، اخلاق و ارزش‌مداری در آموزش عالی، نقش‌آفرینی آموزش عالی، تنوع تقاضاها و انتظارات اجتماعی، بهزیستی افراد جامعه، پرورش نیروی انسانی کارآمد،

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

پاسخگویی آموزش عالی، وضعیت ارتباطات بین‌المللی و توسعه علوم نظری و بنیادین»، دو عامل نقش‌آفرینی آموزش عالی[۱] و پاسخگویی [۲] آموزش عالی، پس از نظرخواهی از صاحب‌نظران و اجماع حاصل بر روی این دو عامل، به‌عنوان مهم‌ترین عوامل کلیدی و دارای عدم قطعیت در تحقق آینده مطلوب آموزش عالی ایران در افق ۱٤۰٤ شناخته‌شده‌اند. به‌منظور تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی در افق ۱٤۰٤، تحول باید از درون سازمان آموزش عالی صورت گیرد و این امر بیش از هر چیز دیگری دارای اهمیت است. اصطلاح نقش‌آفرینی به‌تناسب نقشی که آموزش عالی در فضای سناریوها می‌تواند ایفا کند، انتخاب شده است. عامل نقش آفرینی، عامل اساسی در نیل به پاسخگویی اثربخش متناسب با هر سناریو است. به همان نحو که یک هنرپیشه در هر نمایشنامه به ایفای نقش می‌پردازد تا انتظارات مخاطبان آن نمایشنامه را برآورده سازد، آموزش عالی نیز در هر سناریو به نقشی متفاوت از سناریوهای دیگر پرداخته و انتظارات مخاطبان آن سناریو را محقق می‌سازد. عامل نقش‌آفرینی آموزش عالی و پاسخگویی آموزش عالی به‌عنوان عواملی درونی هستند که به‌طور نزدیک و درگیرانه در تحقق آرمان‌های آموزش عالی دخیل‌اند. با توجه به فضای کلی حاکم بر آموزش عالی ایران، برای هر یک از دو متغیر کلیدی، دو وضعیت حدی در نظر گرفته شده است. برای متغیر نقش‌آفرینی آموزش عالی، دو وضعیت حدی علم محوری و علم پژوهشی فناورانه و نیز برای متغیر کلیدی پاسخگویی آموزش عالی، دو وضعیت حدی تحقق انتظارات جامعه و تحقق ترجیحات درون دانشگاهی موردتوجه قرار گرفته است.

چهار سناریوی ممکن و حاصل از ترکیب دو وضعیت حدی هر یک از عوامل عدم قطعیت بیان‌شده به شرح نمودار ۱ تصویر شده است.

۱. Role Playing
۲. Accountability

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

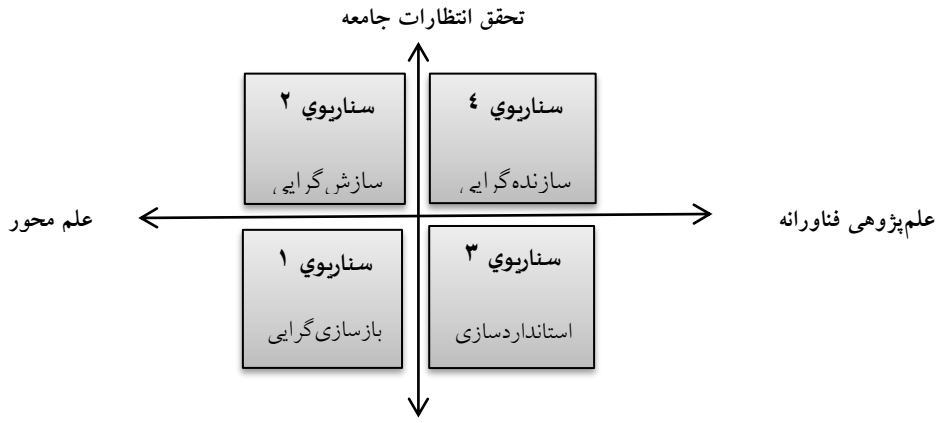

نمودار ۱: چهار سناریوی ممکن در تحقق آرمان‌های آموزش عالی در افق ۱٤۰٤

میزان اعتبار سناریوها نیز از دیدگاه خبرگان موردبررسی قرارگرفته است که در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: میانگین مقدار معیارهای ارزیابی سناریوها (از حداکثر ٤ نمره) از دیدگاه خبرگان

سناریو / معیار	سناریوی اول (بازسازی)	سناریوی دوم (سازش‌گرایی)	سناریوی سوم (استانداردسازی)	سناریوی چهارم (سازنده گرایی)
امکان‌پذیری	۲/٤	۳/۸	۲/۸	٤
سودمندی	۲/٦	۳/٤	۲/۸	٤
سازگاری درونی	۳/۲	۳/٦	۳/٤	۳/٦
تمایز	۳/٤	۳/٦	۳/۲	۳/۸

جدول شماره ۳، به بررسی اعتبار سناریوها از چهار منظر امکان‌پذیری، سازگاری درونی، سودمندی و تمایز پرداخته است. همان‌طوری که در جدول مشاهده می‌شود، تمایز بین سناریوها از دیدگاه خبرگان قابل‌قبول است. آن‌ها امکان‌پذیری و سودمندی سناریوهای چهارم و دوم را بیشتر از سناریوهای اول و سوم دانسته‌اند. وجه مشترک سناریوهای چهارم و دوم در برآوردن انتظارات جامعه است، با این تفاوت که نحوه پاسخگویی به انتظارات در هر سناریو متفاوت است. در سناریوی دوم، پوشش تقاضای اجتماعی در ورود به آموزش عالی در

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]
[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

دستور کار قرار دارد، درحالی‌که سناریوی چهارم به تحقق نیازهای جامعه در همه ابعاد آن می‌پردازد. سازگاری درونی سناریوها نیز در یک حد و قابل‌قبول است. در ذیل، سناریوهای چهارگانه توصیف شده است:

سناریوی ۱: بازسازی گرایی

سناریوی اول تلفیقی از دو محور تولید علم و ترجیحاتی است که صرفاً برای دانشگاه اهمیت دارد. به‌بیان‌دیگر، در علم محوری، تنها تولید علم و آموزش محوری مورد تأکید اساسی است و از سوی دیگر در ترجیحات درون دانشگاهی، تنها آنچه برای دانشگاه و سازمان درونی آن اهمیت دارد دارای اولویت اساسی است و اولویت‌های جامعه نادیده گرفته‌شده و یا در اولویت‌های پایین‌تر موردتوجه است. این نوع دانشگاه‌ها، دانشگاه‌های بسته‌ای به‌حساب می‌آیند. آن‌ها حمایت مالی از سوی دولت دریافت نمی‌کنند و مخارج آن‌ها از شهریه‌هایی است که از افراد و نهادهای مرتبط که برای آن‌ها نیروی انسانی تربیت می‌کنند تأمین می‌شود. دانشگاه‌هایی که در سناریوی بازسازی‌گرایی قرار دارند، اهم دغدغه‌های آن‌ها پرورش نخبه و تولید و انتقال علم دست‌اول به آن‌هاست. این نخبه‌گرایی، این دانشگاه‌ها را در زمره دانشگاه‌های نخبه‌گرا[۱] قرار می‌دهد. این دانشگاه‌ها همچنین به‌جای ارتقای محورهای سیاسی و آموزش و آگاه ساختن مردم با ایده‌های گوناگون در یک جامعه مشترک مدنی، سعی دارند که اثبات‌گرایی یک‌جانبه و اعتقاد به یک نظام بهترین را گسترش دهند. دانشگاه‌ها در سناریوی اول به توسعه دانش نظری پرداخته و تولید نوع اول دانش را در دستور کار خود دارند.

سناریو ۲: سازش‌گرایی

در سناریوی دوم که سناریوی سازش‌گرایی نامیده می‌شود، دو محور تولید علم و آموزش محوری در یکسو و تحقق انتظارات جامعه در سوی دیگر قرار دارد. این دانشگاه‌ها ضمن اینکه به بازسازی و تولید علم می‌پردازند، درعین‌حال نگاهی نیز به جامعه و نیازهای آن دارند. در این سناریو، این تصور که آموزش ابزار ارتقای شخصی، پیشرفت اجتماعی و انتخاب بهترین‌ها مستقل از محیط اجتماعی اولیه است از واقعیت بسیار به دور است. در این سناریو، باور بر این است که دانشگاه‌ها با تأکید بر آموزش محوری صرف و تنها با تولید علم قادر نخواهند بود به حیات خود ادامه دهند و سیستم بسته‌ای خواهند بود که محکوم‌به شکست هستند. بنابراین لازم است که دانشگاه‌ها به انتظارات جامعه نیز پاسخگو باشند. دانشگاه‌ها لازم است که تعادلی بین این دو محور برقرار نمایند و در سازش آن‌ها بکوشند. این سازش در شرایط تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی پیرامونی دشوارتر می‌شود. سؤال و مسئله اساسی در این موضع این است که چگونه دانشگاه می‌تواند به نیازهای همواره در حال تغییر جامعه پیرامونی که دیگر تنها یک کشور را شامل نمی‌شود بلکه به تمام جهان مربوط می‌شود پاسخ گوید و درعین‌حال خود را بازتولید نماید؟ پاسخ به این سؤال و حل این مسئله، از رسالت اصلی دانشگاه‌ها در این

---

۱. Elite-oriented

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

سناریو محسوب می‌گردد. این چالش درنهایت، در پوشش تقاضای اجتماعی به‌عنوان تنها نمود پاسخگویی به جامعه خلاصه می‌گردد.

در این سناریو، دانشگاه‌ها با تأمین تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاه روبه‌رو هستند. این امر که ملازم با توده سازی آموزش عالی است به چالش تنوع در آموزش عالی می‌انجامد. در این موضع، تنوع دسترسی دانشجویان به آموزش عالی، تنوع گذراندن دوره دانشگاه، انگیزه‌ها و توقعات مختلف دانشجویان و توانایی‌های آنان مطرح بوده و این امر به تنوع در برنامه‌های درسی می‌انجامد. مدرک‌گرایی به‌عنوان امری مهم در عرصه آموزش عالی به‌تبع روند صورت گرفته انجام خواهد گرفت. هرچند ممکن است دانشگاه در تأمین تقاضای اجتماعی برای ورود به آموزش عالی موفق عمل نموده باشد، اما با همه تلاش انجام‌گرفته در تأمین نیازهای جامعه، خروجی نوآورانه بسیار پایینی خواهند داشت. تحقیقات انجام‌شده کم اثر یا فاقد هرگونه اثری در جامعه می‌باشند. در این دانشگاه‌ها، ضعف در کارکرد تحقق انتظارات جامعه و تلاش فراوان در این مسیر، سبب می‌شود که از کارکرد تولید علم هم غفلت شود و دانشگاه‌ها روزبه‌روز ازنظر تولید دانش درمانده شوند. سناریوی شماره دوم را تا حدودی می‌توان وضعیت موجود آموزش عالی و دانشگاه‌ها در ایران در نظر گرفت.

سناریو ۳: استانداردگرایی

این سناریو تلفیقی از علم‌پژوهشی فناورانه (تولید علم و تبدیل آن به محصول) و تحقق ترجیحات درون دانشگاهی است. در این سناریو، پرداختن به پژوهش و پژوهش‌های کاربردی و تولید محصولات مورد تأکید ویژه قرار دارد، ولی این تولیدات در راستای تطابق با نیازها و انتظارات جامعه و برآورده نمودن آن‌ها نیست. این سناریو بر این امر تأکید دارد که فعالیت‌های فناورانه در راستای تحقق نیازهای جامعه نیست، بلکه صرفاً بر اساس ترجیحات درون دانشگاهی و نیز اهمیت ارتقای برند دانشگاهی در نزد متولیان در درون هر دانشگاه است. هدف در این موضع، برنده شدن در میدانی است که دانشگاه‌ها با یکدیگر در این زمینه به رقابت می‌پردازند. در حقیقت، شکل‌گیری و افزایش رقابت در عرصه آموزش عالی و در بین دانشگاه‌ها با یکدیگر از ویژگی‌های مهم این سناریو محسوب می‌گردد. رقابت در پذیرش دانشجو از اهداف بااهمیت این دانشگاه‌ها است و تمام تلاش و فعالیت آن‌ها در زمینه‌های پژوهشی و فناوری در راستای نیل به این هدف است. حمایت مالی از سوی دولت برای این دانشگاه‌ها انجام نگرفته و ردیف بودجه‌ای به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد و از طریق تولید محصولات برای سازمان‌های طرف قرارداد با دانشگاه تأمین هزینه می‌کنند. سازمان‌های خصوصی به‌منظور آموزش مستقیم نیروهای خود با این دانشگاه‌ها قرارداد می‌بندند. سیستم دانشگاهی در این سناریو، سیستمی بسته خواهد بود که با بخش گسترده‌ای از جامعه در ارتباط نیست.

در سناریوی استانداردسازی، تولید دانش فنی موردتوجه و تأکید قرار دارد. در این سناریو، دانشگاه به تعهدات و رسالت‌های سنتی خود نظیر یادگیری و پژوهش پایدار و حفظ نظم دانشگاهی در آموزش و پژوهش وفادار

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

است. می‌توان بیان نمود که سناریوی سوم، سناریوی تخصصی شدن است و تأکید بیشتری بر تولید دانش، آموزش طولانی‌مدت و گسترده و شبکه‌های تحقیقاتی می‌شود. در این سناریو، همه‌چیز به‌سوی استاندارد شدن حرکت می‌کند.

سناریوی ٤: سازنده گرایی

سناریوی چهارم از تلفیق دو محور تشکیل شده است که تحقق انتظارات جامعه در یک‌سوی آن و علم‌پژوهشی فناورانه (تولید علم و تبدیل آن به محصول) در سوی دیگر آن قرار دارد. این دانشگاه‌ها، از سیستم باز برخوردار بوده و در ارتباط کامل با جامعه قرار دارند و تحقق انتظارات و نیازهای جامعه از اولویت‌های مهم آن‌ها است که ادامه حیات آن‌ها نیز به‌طور تنگاتنگی با حیات جامعه پیوند خورده است. در این دانشگاه‌ها، ارائه آموزش و خدمات به همه اعضای جامعه در دستور کار قرار دارد. دانشگاه‌ها از دولت حمایت مالی دریافت می‌کنند و به‌واسطه این حمایت مالی، دولت‌ها حساسیت خاصی نسبت به عملکرد دانشگاه‌ها دارند و کیفیت بروندادهای آن را با دقت ویژه‌ای دنبال می‌نمایند؛ اما این امر به معنای کنترل کامل و سلب اختیار از دانشگاه‌ها نیست، بلکه دانشگاه‌ها از اختیارات کامل در امور اداری و برنامه‌ریزی درسی خود برخوردارند و در یک چارچوب کلی که از سوی دولت و سیاست‌گذاران در قالب آرمان‌ها و شاخص‌های نیل به آن‌ها ترسیم شده است به فعالیت می‌پردازند. در این چارچوب کلی، هر دانشگاه با توجه به امکانات و مقتضیات خود، اقدام به تدوین برنامه درسی و اتخاذ راهبردهایی می‌نماید که آن‌ها را دررسیدن به آرمان‌ها و رسالت خود یاری می‌کند.

در سناریوی سازنده‌گرایی، علاوه بر تولید دانش فنی، انتقال فناوری نیز مورد تأکید است و در حقیقت، ایجاد تعادل بین دو این دو مأموریت (تولید دانش فنی و انتقال فناوری) از منظر نیازهای انتقال فناوری در دستور کار قرار دارد. کشور ایران، میراث دار دانش فناوری است که در جامعه طراحی محور و بسته سنتی شکل‌گرفته است. انتقال این دانش فناوری به‌واسطه برنامه‌ریزی مناسب در دستور کار قرار دارد. در این راستا، دولت نیز با در دستور کار قرار دادن پروژه انتقال فناوری در راستای کاهش نواقص احتمالی رابطه دانشگاه و صنعت گام برمی‌دارد. دولت از دانشگاه‌ها در ارتباط با فعالیت‌های تحقیقاتی، حمایت مالی به عمل می‌آورد و دانشگاه را به انتقال فناوری سوق می‌دهد. همچنین از پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد حمایت همه‌جانبه نموده و به ایجاد یک نظام ارزیابی کارآمد درزمینهٔ تحقیق و بررسی نتایج اقدام می‌کند. دانشگاه‌ها از طریق تولید علم و تبدیل آن به محصول در راستای برآورده نمودن انتظارات جامعه و نیز نیازهای سازمان‌های طرف قرارداد تلاش می‌کنند. بودجه خوبی برای تحقیقات بنیادین در این دانشگاه‌ها در نظر گرفته می‌شود. این تحقیقات بنیادین، منبع مهمی از مهارت‌های موردنیاز جامعه را به دانش نوین و سپس آن را به امور کاربردی تبدیل می‌کنند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

در این سناریو، دانشگاه به ارزش‌های بنیادین که در راستای تحقق رسالت آن‌ها حائز اهمیت است احترام گذاشته و در حفظ آن‌ها می‌کوشد. همچنین از استقلال خود در مقابل ساختارهای سیاسی و اقتصادی قدرت در بخش خصوصی و دولتی دفاع می‌کند. دانشگاه‌ها در سناریوی چهارم، تأکید بسیاری بر تربیت شهروندان دموکراتیک دارند و این کار را از طریق آماده‌سازی شهروندان برای یک زندگی معنوی‌تر و آموزش برای معنویت هوشمند به انجام می‌رساند. آموزش معنویت هوشمند، آموزش معنویت به‌صورت متعادل است که افراطی در آن وجود ندارد و این امر موردتوجه فراوان از سوی دانشگاه‌ها است. آزادی فکری که در تربیت نخبه‌گرایی در سناریوی اول اهمیت حیاتی داشت، معنای جدیدی پیداکرده و به‌عنوان هدف مهم آموزش عالی در سناریوی چهارم مطرح است. در این معنا، آزادی فکری در مسیر تحقق عدالت اجتماعی و برابری نقش اساسی ایفا می‌نماید.

در سناریوی چهارم، دانشگاه‌ها در نقش دانشگاه کارآفرین و خلاق، پاسخگو، سیستم باز، دانشگاه خدمتی، دانشگاه هوشمند (سازگار با تغییرات جهانی) و دانشگاه مولد به فعالیت می‌پردازند. دانشگاه کارآفرین علاوه بر تولید علم و تربیت نیروی انسانی موردنیاز توسعه، همچنین در راستای تجاری‌سازی علم و تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان قدم برمی‌دارد. دانشگاه‌های پژوهشی و پژوهشکده‌ها با سرعت چشمگیری رشد خواهند یافت. مأموریت گرایی دانشگاه‌ها در سناریوی چهارم بسیار مهم جلوه‌گر می‌شود و هر دانشگاهی بر اساس رسالت خود که ممکن است آموزشی یا پژوهشی باشد فعالیت می‌کند. شکل دادن به جامعه یادگیرنده به‌عنوان موضوعی تلقی می‌شود که مورد تأکید دانشگاه قرار دارد. تحقق این امر از طریق یادگیری مادام‌العمر میسر می‌گردد. در این راستا، با توجه به اینکه مخاطبان دانشگاه، همگی بزرگ‌سال هستند، مهارت یادگیری چگونه یادگرفتن در قالب برنامه درسی دانشگاه‌ها به فراگیران ارائه می‌شود. در توسعه فرایند یادگیری، دانشگاه شبکه‌های یادگیری را در بین بازیگران مختلف اجتماعی ایجاد می‌کند و فنون همکاری را به آن‌ها آموخته و گرایش آن‌ها را نسبت به بیداری و آگاهی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری ارتقا می‌بخشند. این فرایند به شکل‌گیری جامعه یادگیری با کمک دانشگاه می‌انجامد.

در سناریوی سازنده‌گرایی، نظام آموزش عالی شهروندانی را تربیت می‌نماید که دارای دید و تعهد باشند. در این راستا آموزش و پژوهش دانشگاه باید در ارتباط مستقیم با جامعه باشد. دانشگاه‌ها خود را علاوه بر مسائل ملی در مسائل جهانی و بین‌المللی نیز مسئول می‌دانند. دولت بر دانشگاه تأثیر می‌گذارد و عملکرد آن را نظارت و تنظیم می‌نماید. البته این امر منافاتی با استقلال دانشگاه و آزادی اعضای هیئت‌علمی که به تولید دانش انتقادی می‌پردازند ندارد. زیرا با شکل‌گیری گفتگوی باز و آزاد بین جامعه و دانشگاه، اجماع بیشتری بر روی مسائل و موضوعات صورت گرفته و به کاستن اختلاف‌نظرها کمک می‌نماید.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، با استفاده از تحلیل محتوای منابع بالادستی، به سازمان‌دهی و ارائه روشنی از چشم‌اندازها و رسالت‌ها اقدام گردید. این چشم‌اندازها و رسالت‌ها نظر به اینکه به‌عنوان راهنما برای آموزش عالی مطرح هستند، درنتیجه باید به‌طور صریح بیان شوند و در اختیار دانشگاهیان قرار گیرند. بر اساس متون تخصصی درزمینهٔ تدوین رسالت آموزش عالی، تعریف و مشخص نمودن رسالت، بر قوانین و رویه‌های دانشگاهی تأثیر می‌گذارد و در تصمیم‌گیری‌های رسمی درزمینهٔ برنامه درسی، راهنمایی دانشجو، استخدام هیئت‌علمی و ارزیابی عملکرد دانشگاهی مؤثر واقع می‌شود (داورتلی و هونگ[۱]، ۲۰۰٦). جهت‌گیری‌هایی که منابع بالادستی نسبت به علم و فناوری داشته‌اند، جامع‌نگرانه و با مدنظر قرار دادن توسعه ملی صورت گرفته است. جامعه ایران، به عنوان جامعه‌ای در حال گذار از سنتی به مدرن است و دارای دغدغه‌هایی نظیر احراز جایگاه مناسب از نظر علمی در منطقه و در جهان و نیز سهیم بودن در تولید دانش در عرصه جهانی می باشد. در این راستا، اهتمام ویژه ای بر روی کارکردهای پژوهشی و فناوری شده است تا بتوان علم اکتساب شده در کشور که از این منظر، کشور دارای موقعیت مناسبی می باشد به محصول تبدیل نمود. در حقیقت، تبدیل علم به محصول، به عنوان موضوع اصلی کنونی جامعه ایران بوده و تلاش‌های بی‌شائبه‌ای در این زمینه در حال صورت گرفتن است.

در پژوهش حاضر، چهار سناریو در راستای آینده آموزش عالی ایران بر اساس جهت‌گیری منابع بالادستی در افق ۱٤۰٤ ترسیم گردید. در سناریوی اول، دانشگاه‌های با رویکرد بازسازی‌گرایی قرار دارند. این دانشگاه‌ها از میان دسته‌بندی تورن[۲] (۱۹۸۹) از کارکردهای دانشگاه‌ها (کارکرد بازتولید، کارکرد سازگاری و کارکرد تولید) در زمره دانشگاه‌های با کارکرد بازتولید قرار می‌گیرند. ازنظر تورن (۱۹۸۹) دانشگاه‌های با کارکرد بازتولید، به تربیت نخبگان اجتماعی که باید جامعه را هدایت کنند همت می‌گمارند و همچنین تفسیر مجموعه اطلاعات موجود را نیز در دستور کار خود دارند. این نوع دانشگاه‌ها، دانشگاه‌های محافظ هستند (یمنی، ۱۳۹٤). این به آن معناست که کتاب‌ها، اطلاعات، سنن و نظیر آن را حفظ می‌کند و به دنبال تداوم ساختار کارکردهای خاص خود است. همان‌طور که ذکر گردید، دانشگاه‌های نخبه‌گرا در زمره دانشگاه‌های سناریوی اول قرار دارند. تراو[۳] (۲۰۰۵) هدف دانشگاه‌های نخبه‌گرا را تربیت نخبگان اجتماعی می‌داند که به‌واسطه برنامه درسی حاصل می‌شود که بر پایه «شکل دادن ذهن و شخصیت» دانشجویان از طریق رشته‌های دانشگاهی و دانش حرفه‌ای قرار دارد. در سناریوی شماره دوم، دانشگاه‌های با رویکرد سازش قرار دارند. بر اساس نظر تورن (۱۹۸۹) دانشگاه‌ها علاوه بر بازتولید علم باید به انتظارات جامعه هم توجه نمایند. این نوع دانشگاه‌ها را می‌توان به‌زعم تورن (۱۹۸۹)

۱. Hong
۲. Tourian
۳. Trow

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

دانشگاه سازگار نامید. همچنین همان‌طور که در قبل ذکر گردید، توده‌گرایی آموزش عالی در این رویکرد موردتوجه قرار دارد. تراو (۲۰۰۵) هدف از دانشگاه‌های توده‌ای[۱] را انتقال دانش و آماده نمودن افراد برای طیف گسترده‌ای از نقش‌های رهبری اقتصادی و فنی می‌داند. برنامه درسی آن، پودمانی[۲]، انعطاف‌پذیرتر و دربرگیرنده توالی‌های نیمه ساختاریافته[۳] در درون دانشگاه‌هایی جامع با استانداردهای متنوع‌تر و مرزهای نفوذپذیرتر و مبهم‌تر است. در سناریوی سوم، سناریوی استانداردسازی است. در دسته‌بندی تورن (۱۹۸۹) از کارکردهای دانشگاه، این دانشگاه‌ها را می‌توان در زمره دانشگاه‌های با کارکرد تولید محسوب نمود که دانشگاه محصولاتی را در سطوح مختلف تحصیلی تولید می‌کند؛ اما این کارکرد آن‌ها تنها برای خود است و از جنبه مصرفی برای دانشگاه برخوردار است. در این راستا می‌توان به پروژه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی اشاره نمود که بدون استفاده و بهره‌ای برای جامعه انجام می‌گیرند. بنابراین، فعالیت‌های فناورانه صورت گرفته توسط دانشگاه‌ها صرفاً بر اساس ترجیحات و علایق شخصی اساتید و دانشجویان و متولیان در هر دانشگاه و یا برآورده نمودن نیازهای سازمان‌های طرف قرارداد خود انجام می‌گیرد. سناریوی چهارم، سناریوی سازنده‌گرایی است. می‌توان هر سه دسته‌بندی (بازتولید، سازگاری و تولید) که تورن (۱۹۸۹) از کارکرد دانشگاه داشته است در این سناریو مورد ملاحظه قرار داد. در حقیقت، یکی از چالش‌های مهم دانشگاه‌ها در این سناریو، تعادل بین سه کارکرد مذکور است. به عبارتی دانشگاه در سناریوی چهارم، دانشگاهی است که به تولید دانش نظری و حفظ ارزش‌های سنتی التفات ویژه‌ای داشته و ضمن سازش با جامعه به تولید محصولات مطابق با انتظارات و نیازهای جامعه می‌پردازد. ازنظر تورن (۱۹۸۹) آنچه خصوصیت یک دانشگاه را می‌سازد تداخل و به هم‌بستگی این سه کارکرد است. همچنین می‌توان نظام آموزش عالی جهانی را که تراو (۲۰۰۵) بر آن تأکید داشت در این سناریو در نظر گرفت. تراو (۲۰۰۵) هدف از نظام آموزش عالی جهانی[٤] را آماده ساختن کل جمعیت برای تغییرات سریع اجتماعی و فناورانه می‌داند. مرزهای بین دانش از قبل ساختاریافته و دانش روزمره[٥] یا معاصر در برنامه درسی شکسته می‌شود و تمایزی بین مؤسسات آموزشی و دیگر ابعاد زندگی به‌مانند محیط کار وجود ندارد. یمنی (۱۳۹۱: ۲۸۵) سه کارکرد پاسخگویی، بهبود و کارکرد اطلاعاتی را در مدیریت کیفیت آموزش عالی یا دانشگاه مورد تأکید قرار داده است. هر سه کارکرد را می‌توان در سناریوی چهارم مورد لحاظ قرار داد. دانشگاه باید به بیرون از محیط خود پاسخگو باشد. با توجه به هزینه‌ها و مصارف دانشگاه از بودجه عمومی، جامعه انتظار پاسخگویی دانشگاه در برآوردن انتظارات آن را دارد. کارکرد بهبود به‌کل سازمان دانشگاه برمی-

۱. Mass
۲. Modular
۳. Semi-structured sequences
٤. Universal
٥. Everyday

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.2008000.1396.9.4.1.3]

گردد. ازآنجاکه دانشگاه در بستر تغییرات اجتماع عمل می‌کند، لازم است که به‌صورت مستمر خود را با این تغییرات سازگار سازد. برای تحقق چنین سازگاری، تغییر در درون دانشگاه ضرورت دارد (یمنی، ۱۳۹۱: ۲۸٦). در کارکرد جریان اطلاعاتی، دانشگاه باید اطلاعات را به‌صورت گسترده، آزاد و مستمر توزیع کند. اطلاعات باید فهمیده شود. بدون کارکرد اطلاعاتی، امکان کارکردهای دیگر میسر نخواهد بود. می‌توان ارتباط کارکردهای سه‌گانه را به‌صورت چرخشی در نظر گرفت (یمنی، ۱۳۹۱: ۲۸۷).

در خصوص نحوه اختصاص بودجه از سوی دولت در هر سناریو، می‌توان بیان نمود که سناریوهای مذکور بر پایه جهت‌گیری منابع بالادستی که تأکید ویژه‌ای بر فناوری و تولید علم به محصول شده است، تدوین‌شده و در آینده به نظر می‌رسد که نحوه اختصاص بودجه به آموزش عالی متفاوت بوده و از وضعیت سنتی که در سناریوی دوم مطرح بوده و دانشگاه‌ها بر طبق قرار معینی از سوی دولت بودجه دریافت می‌کنند فاصله گرفته و به سمت بودجه‌ریزی عملیاتی حرکت کنند. در این نوع بودجه‌ریزی که در سناریوی چهارم (سازنده‌گرایی) مطرح است، سهمی از بودجه به‌طور مستقیم از سوی دولت تأمین‌شده و سهم دیگر بسته به کیفیت کارکردهای دانشگاه و به نسبت تأمین نیازهای جامعه، حل مشکلات آن و رفع نیازهای پژوهشی سازمان‌ها از سوی دولت به دانشگاه‌ها اختصاص می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر، قسمتی از بودجه دانشگاه‌ها از طرق نهادهای واسط تأمین می‌شود و دولت بودجه را در اختیار نهادها در جامعه قرار داده و به‌تناسب حل نیازهای هر سازمان از سوی دانشگاه، به دانشگاه‌ها بودجه اختصاص می‌یابد. امتیاز اساسی این نوع حمایت مالی دانشگاه‌ها، شکل‌گیری رقابت سالم در بین دانشگاه‌ها در تأمین بودجه با ارتقای کیفیت کارکردهای خود درزمینهٔ حل مسائل و نیازهای جامعه و نهادهای آن است.

سناریوی دوم (سازش‌گرایی) را می‌توان تا حدودی وضعیت موجود نظام آموزش عالی کشور در نظر گرفت و سناریوی چهارم (سازنده‌گرایی) برای نظام آموزش عالی ایران به نظر می‌رسد به‌عنوان سناریوی مطلوب شناخته می‌شود. زیرا سناریوی سازنده‌گرایی در راستای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های متصور در اسناد بالادستی بسیار مناسب به نظر می‌رسد. با توجه به شکاف موجود بین آموزش عالی و نیازهای اجتماعی در خارج از دانشگاه‌ها، در این سناریو، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزش عالی در ارتباط مستقیم‌تر و نزدیک‌تر با مسائل جامعه و کارفرمایان در بازار کار قرار دارند و به شکاف‌های موجود در این زمینه واقف‌اند. به این منظور دانشگاه‌ها با فن آموزی و پرورش مهارت‌های لازم درزمینهٔ حرفه‌های مختلف و زیستن بهتر در جامعه به ایفای رسالت اصلی خود در تربیت شهروندان مطلوب می‌پردازند. همچنین در راستای کارآفرین نمودن دانشگاه‌ها، در سناریوی سازنده گرایی، دانشجویان به‌عنوان ذی‌نفع اصلی دانشگاه، از وضعیت یادگیرندگان صرف خارج‌شده و به فراگیرانی خلاق، کارآفرین، فکور و متناسب با نیازهای جامعه تغییر می‌یابند. این سناریو مناسب‌ترین شرایط

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

را برای نظام آموزش عالی به همراه دارد. تحقق همه کارکردهای دانشگاه اعم از تولید دانش، خدمت به اجتماع و تولید علم به محصول در این سناریو موردتوجه قرار دارد.

در سناریوی سازنده‌گرایی، بر نیازهای اجتماعی تأکید فراوان شده و از آن به‌عنوان فرصت درزمینهٔ تحقق چشم-اندازها و رسالت‌ها یاد می‌شود. از نیازهای اجتماعی که وجود دارد، می‌توان در جهت بازسازی برنامه‌های درسی آموزش عالی بهره گرفت. وجود تقاضای اجتماعی که در کشور در حوزه آموزش عالی وجود دارد و تنوع دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور که بر اساس این امر شکل‌گرفته‌اند، اگر به‌درستی هدایت شوند به‌عنوان فرصتی در جهت دستیابی به چشم‌اندازهای آموزش عالی محسوب می‌شوند. فراگیر شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان مبحث دیگر در سناریوی سازنده‌گرایی مطرح است. با بهره‌گیری از امتیاز فراگیر شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات به مدد فنّاوری‌های جدید می‌توان دسترسی به آموزش را برای همگان هموار ساخت و عدالت آموزشی را که به‌عنوان چشم‌انداز آموزش عالی محسوب می‌گردد گسترش داد. همچنین با بهره‌گیری از امتیاز فراگیر شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌توان به روزآمد ساختن منابع آموزشی و اعضای هیئت‌علمی اقدام نمود. بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند با ایجاد انعطاف در برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه، ایجاد رقابت سازنده در بین دانشگاه‌ها در سطح بین‌المللی، رشد تعاملات و تبادلات در سطح بین‌المللی و ارتباط عمیق‌تر با مراکز پژوهشی و دانشگاه‌های همراه باشد.

تأکید بر بهره‌گیری از امتیازات ناشی از سرمایه انسانی، به‌عنوان ویژگی بااهمیت دیگر در سناریوی سازنده‌گرایی از نقش اساسی در تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها برخوردار است. افزایش فارغ‌التحصیلان آموزش عالی به‌عنوان یک سرمایه اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند که اگر درست هدایت بشوند و بتوان به آن‌ها صلاحیت حرفه‌ای را آموزش داد به‌عنوان فرصت درزمینهٔ تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی محسوب می‌گردند. آموزش عالی می‌بایست از ظرفیت و فرصت به وجود آمده از رشد دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی، استفاده بهینه نماید و با اعمال مدیریت صحیح و ایجاد مراکز پژوهشی و مراکز دانش‌بنیان، از اتلاف استعدادها جلوگیری به عمل آورد.

در جهت تحقق سناریوی سازنده‌گرایی که در راستای نیل به چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱٤۰٤ است، برنامه درسی ارائه‌شده در آموزش عالی از اهمیت اساسی برخوردار است. برنامه درسی به‌شدت از سیاست‌های اتخاذشده در منابع بالادستی برای آموزش عالی تأثیر می‌پذیرد و از سوی دیگر گزینه اساسی تحقق دهنده تمامی سیاست‌های مذکور نیز شناخته می‌شود. زیرا آموزش، پژوهش و عرضه خدمات تخصصی توسط مؤسسات آموزش عالی از طریق برنامه درسی امکان‌پذیر است. همچنین با اصلاح مدیریتی و ساختاری در نظام آموزش عالی، برنامه‌ریزی آموزشی کارآمد و تمرکززدایی در آموزش عالی می‌توان تحقق سناریوی سازنده گرایی را تسهیل نمود. در پایان پیشنهادهای ذیل می‌تواند موردتوجه قرار گیرد:

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

_در راستای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها، آموزش عالی می‌بایست فرابخشی و در تعامل با سایر سازمان‌های جامعه عمل نماید.

_چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی به‌صورت روشن به جامعه دانشگاهی معرفی و اطلاع‌رسانی شوند. این امر سبب می‌شود که سایر خرده نظام‌های آموزش عالی ازجمله برنامه‌های درسی از کارکرد صحیح و اصولی برخوردار باشند و با برنامه‌ریزی درسی کارآمد بتوان به تحقق سناریوی مطلوب آموزش عالی و تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌ها نائل آمد.

_با اشتراک گذاشتن چشم‌اندازها و رسالت‌ها و نظرخواهی از ذی‌نفعان آموزش عالی (دانشجویان، اعضای هیئت‌علمی و کارفرمایان در بازار کار) در تدوین سیاست‌ها، می‌توان به دستیابی به توافق و اجماع در درک گزاره‌های چشم‌انداز و رسالت کمک نمود.

_در تدوین چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی، لازم است واقع‌بینانه عمل شود و از شاخص‌های عقلانیت پیروی نمود.

_ارتباط نزدیک‌تر ذی‌نفعان درونی دانشگاه‌ها با سیاست‌گذاران آموزش عالی و ملاحظه دقیق جهت‌گیری‌های منابع بالادستی در برنامه‌های آموزش عالی، می‌تواند به ماموریت‌گراتر نمودن هرچه بیشتر دانشگاه‌ها درزمینهٔ تحقق سناریوی مطلوب آموزش عالی و آرمان‌های ترسیم‌شده برای ایران ۱٤۰٤ کمک نمایند.

_تفویض اختیارات به دانشگاه‌ها به‌ویژه دانشگاه‌های دارای هیئت ممیزه و جامع درزمینهٔ تدوین برنامه درسی دانشگاهی بر اساس شرایط و مقتضیات علمی و امکانات خود به‌عنوان امری ضروری در تحقق سناریوی مطلوب آموزش عالی و حصول چشم‌اندازها و رسالت‌ها می‌نماید.

منابع

_الوانی، سید مهدی؛ و مردانی، محمدرضا (۱۳۹۱). طراحی الگوی توسعه آموزش عالی ایران در افق چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۱٤.

_امیری فرح‌آبادی، جعفر؛ ابوالقاسمی، محمود؛ و قهرمانی، محمد (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی سیاست‌پژوهی در نظام آموزش عالی ایران؛ مطالعه‌ای کیفی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۸(٤)، ۱۷۱-۱۳۹

_جاودانی، حمید (۱۳۸۹). جهانی‌شدن و آموزش عالی با تأکید بر آموزش باز و از راه دور در ایران. پژوهشکده آموزش باز و از راه دور دانشگاه پیام نور.

_حاجی‌پور، ابراهیم؛ فروزنده، لطف اله؛ دانایی‌فرد، حسن؛ و فانی، اصغر (۱۳۹٤). طراحی الگوی آسیب‌شناسی اجرای خط‌مشی عمومی در ایران، مدیریت نظامی، ۵۸: ۲۳-۱.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

_سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۹٤). برنامه ششم توسعه (در دست تدوین). ابلاغیات مقام معظم رهبری، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

_شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند نقشه جامع علمی کشور، ابلاغیات مقام معظم رهبری، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

_شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲). سند دانشگاه اسلامی، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

_فتحی واجارگاه، کوروش؛ و خسروی، محبوبه (۱۳۹۲). پذیرش نوآوری در برنامه درسی آموزش عالی. تهران: نشر شخصیت.

_فراستخواه، مقصود (۱۳۷۷). «آموزش عالی در آستانه قرن بیست و یکم (گزارش از کنفرانس جهانی آموزش عالی ـ ۱۹۸۸)». با همکاری احمد کبریایی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دورهٔ ۷، شمارهٔ ۱۷.

_فراستخواه، مقصود (۱۳۹۲). چارچوبی مفهومی برای برنامه‌ریزی مبتنی بر آینده‌اندیشی در دانشگاه. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ٦۹، ۲٦-۱.

_فراستخواه، مقصود (۱۳۹۳). گروه کارشناسی هفتم میز آینده‌پژوهی، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، بازیابی شده در تارنما http://www.irphe.ac.ir

_فرحزاد، پرویز (۱۳۸٤). راهنمای پژوهش تاریخی (کتابخانه‌ای)، تهران: طهوری.

_گلدسته، اکبر (۱۳۹۵). ارائه مدل روند جذب دانشجو در دانشگاه‌های غیرانتفاعی غیردولتی در افق سند چشم‌انداز ۱٤۰٤ بر اساس سه سناریوی متفاوت و تحلیل محتوایی نتایج آن، رساله دکتری رشته آموزش عالی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

_گلدسته، اکبر (۱۳۹٦). آینده‌نگاری در آموزش عالی (مبتنی بر روش سناریونویسی). چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

_مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۳). سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.

_مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸٤). سند چشم‌انداز در افق ۱٤۰٤، ابلاغیات مقام معظم رهبری، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.

_منتظر، غلامعلی؛ و فلاحتی، نگار (۱۳۹٤). سناریونگاری آینده آموزش عالی ایران و کارکرد فناوری اطلاعات در آن، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال هفتم، شماره ۱.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

_مهدی، رضا (۱۳۹۲). آینده پژوهش در آموزش عالی دانشگاه اسلامی، دانشگاه سازگار با محیط و زمینه. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. ۱۷(٤): ۷۱۰– ٦۹۷.

_وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۸). سند تحول علم و فناوری، ابلاغیات مقام معظم رهبری، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

_وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۳). سیاست‌های کلی علم و فناوری، ابلاغیات مقام معظم رهبری، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

_یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۹۱). کیفیت در آموزش عالی، تهران: سمت.

_یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۹٤). برنامه‌ریزی توسعه دانشگاهی: نظریه‌ها و تجربه‌ها، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

_Antonakis, J. & Hooijberg, R. (۲۰۰۷). Cascading vision for real commitment. In R. Hooijberg, J. G. Hunt, J. Antonakis, K. B. Boal & N. Lane (Eds). Being there even when you are not: Leading through strategy, structures, and systems. (Vol. ٤, pp. ۲۳٥-۲٤۹). Amsterdam: Elsevier Science.

_Barnett, R. (۲۰۰۰). Realizing the university in an age of supercomplexity. Buckingham: The Society for Research into Higher Education & Open University Press.

_Bartkus, B. R. Glassman, M. Mcafee, B. (۲۰۰٦). Mission statement quality and financial performance. European Management Journal. ۲٤(۱). ۸٦-۹٤.

_Davis, J. Ruhe, J. Lee, M. & Rajadjyaksha, U. (۲۰۰۷). Mission possible: Do school mission statements work? Journal of Business Ethics. ۷۰. ۹۹–۱۱۰.

_Dougherty, K. J. & Hong, E. (۲۰۰٦). Performance Accountability as Imperfect Panacea: The Community College Experience. In T. Bailey and V. S. Morest (eds.), Defending the Community College Equity Agenda. Baltimore: Johns Hopkins University Press.

_Hiremath, s. s. & Albal, D. R. (۲۰۱٦). Current scenarios of higher education in INDIA: Reflections on some critical Issues, IRJSSH, vol ۱(۱), pp: ۷۳-۷۸.

_Hitt, M. Ireland, R. Hoskisson, R.(۲۰۱۱). Strategic Management. South-Western Cengage. Mason. US.

_Lee, K. H. Barker, M. & Mouasher, A. (۲۰۱۳). Is it even espoused? An exploratory study of commitment to sustainability as evidenced in vision, mission, and graduate

_Miles, M. B. & Huberman, A. M. (۱۹۹٤). Qualitative data analysis: An expanded sourcebook(۲nd Ed). California: Sage publications.

_Munck, R. & McConnell, G. (۲۰۰۹). University strategic planning and the foresight/futures approach: An Irish case study. Planning Higher Education. ۳۸ (۱). ۳۱-٤۰.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]

_Rothman, S. Kelly- Woessner, A. Woessner, M. (۲۰۱۱). The Still Divided Academy How Competing Visions of Power, Politics, and Diversity Complicate the Mission of Higher Education. New York. Rowman & Littlefield Publishers.

_Schwartz, P. & Ogilvy, J. (۲۰۰٤). Plotting your scenarios, public report, Global Buisness Network, California, U. S. A.

_Southern Africa Development Community(SARUA). (۲۰۱۲). Building higher education Scenarios ۲۰۲٥: A strategic agenda for development in SADC. SARUA leadership dialogue, vol. ۳ No.۲

_Tourian, Alian(۱۹۸۹). Universite", Ency. Universalis.

_Trow, M. (۲۰۰٥). Reflections on the transition from elite to mass to universal access: Forms and phases of higher education in modern societies since WWII. Berkeley, Calif.: Institute of Governmental Studies, University of California.

_Vincent- Lancrin, S. (۲۰۰٤). "Building Futures Scenarios for Universities and Higher Education: an international approach". Policy Futures in Education. Volume ۲. No۲, ۲٤٥-۲٦۳.

_Vincent-Lancrin, S. (۲۰۰٦). What is changing in academic research? Trends and futures scenarios. European Journal of Education, ٤۱(۲).

_Waas, T. Verbruggen, A. Wright, T. (۲۰۱۰). University research for sustainable development: definition and characteristics explored. Journal of Cleaner Production. ۱۸ (۷). ٦۲۹-٦۳٦.

_Wilson, I. (۱۹۹۸). Mental maps of the future: an intuitive logics approach to scenarios, in: L. Fahey, R. M. Randall(Eds.), Learning from the Future: Competitive Foresight Scenarios, first ed... John Wiley & Sons Inc... New York, pp. ۸۱-۱۰۸.

_Wright, T. (۲۰۱۰). University presidents' conceptualizations of sustainability in higher education. International Journal of Sustainability in Higher Education. ۱۱(۱). ٦۱-۷۳.

_Yoon, J. (۲۰۰٦). How team leaders use salient vision and self-sacrifice to enhance team effectiveness. in shane R. Thye and Edward J. Lawler eds. Social Psychology of the workplace. Bingley. Emerald Group Publishing. Pp. ٦۳- ۸۷.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-10-16]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1396.9.4.1.3]